

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)

سال پنجم، شماره (۱۹)، پاییز ۱۳۹۵

واکاوی مشارکت سیاسی زنان در جهان اسلام در عصر جهانی شدن؛ با تأکید بر کشور مصر

حسن شمسینی غیاثوند

استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان، قزوین، ایران

خورشید نجفی*

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان، قزوین، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی نقش زنان در تحولات نوین جهان عرب با تأکید بر مصر می پردازد. این نقش با توجه به جایگاه زنان در اسلام و آرای اندیشمندان جهان عرب همچون علامه فضل الله و قرضاوی؛ همچنین ساختار فرهنگی و اجتماعی جهان عرب و تأثیرات جهانی شدن بر زنان بررسی شده است. با توجه به اعتراضات گسترده در کشورهای عربی اعم از؛ مصر، تونس و لیبی که منجر به پیروزی انقلاب گردید، زنان در فرهنگ و عقل عربی از ویژگی‌های خاص اجتماعی برخوردار هستند. به همین دلیل؛ حضور زنان در میدان‌های سیاسی همانند انتخابات، مشارکت سیاسی و حضور در اعتراضات با دیدگاه‌های خاصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گرچه جهان عرب از جمله؛ شمال آفریقا با نوسازی اقتصادی و آموزشی دچار دگردیسی شده است و زنان وارد مسایل اجتماعی شده‌اند، ولی دگردیسی در نگرش مردان و حکومت نسبت به زنان صورت نگرفته است. به عبارت دیگر؛ همان گفتمان گذشته در دنیای جدید و عصر جهانی شدن بازتولید شده است. حال سؤال این است که زنان در عصر جهانی شدن چه نقشی در وقوع تحولات سیاسی جهان عرب از جمله مصر داشته‌اند. تحولات نوین چه تأثیری بر آینده زنان در جهان عرب خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی زنان، بیداری اسلامی، مصر، نوسازی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۱۲

ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: shamsini_h@yahoo.com

مقدمه

امروزه رسانه‌ها بعنوان یک بازیگر، نقش مهمی را در تحولات ایفا می‌نمایند و کارکردهای متنوع اعم از؛ آگاهی‌بخشی، مدیریت و رهبری تحولات را بر عهده دارند و باید بعنوان مرجعیت فکری و بینشی مردم در نظر گرفته شوند. از طرفی جهانی شدن از موضوعات مهم در بررسی این تحولات است. از آنجا که بیشتر کشورهای عربی شکاف شدید هویتی داشته و دیدگاه نسل اول و دوم این جوامع به مسائل با نسل سوم متفاوت است، جهانی شدن باعث ایجاد خواسته‌هایی همچون دموکراسی خواهی، احترام به آزادی فردی و عدم دخالت دولت در عرصه خصوصی است. در واقع جهانی شدن باعث تحول در ساختار طبقاتی شده، به گونه‌ای که طبقه متوسط کارکرد خود را از دست می‌دهد و توده مردم، جوانان و همینطور زنان عنصر تعیین کننده در تحولات اخیر می‌شوند. از سوی دیگر، افزایش زنان تحصیل کرده که به اهمیت حضور خود در جنبش‌ها آگاه شده، خواسته و انتظارات آن‌ها تغییر نموده و خواستار نقش قابل توجه‌تر و کلیدی‌تر در مقام بازیگر سیاسی در جنبش‌ها هستند و همینطور با توجه به پذیرش فعالیت زنان از سوی نهادها و احزاب سیاسی جامعه عرب به‌عنوان نیمی از جمعیت به‌منظور دسترسی به کل جمعیت هستیم و همچنین به دلیل گسترش رسانه‌ها، شبکه‌های مجازی و اینترنتی، زنان عرب نهایت استفاده را در انقلاب از رسانه‌ها و بخصوص اینترنت نموده و در فضای مجازی و امن اینترنتی و دور از تعصبات مرد سالارانه و سانسورهای رژیم به فعالیت پرداختند. افزون بر این، در جنبش‌های اخیر با توجه به مقوله جهانی شدن و تأثیرات آن در کشورهای عربی، ظهور و بروز فعالیت زنان به دور از در نظر گرفتن اسلامی و غیر اسلامی بودن، شیعه و سنی بودن، تونسسی یا مصری بودن، جهان شاهد مبارزه زنان برای نابودی استبداد و دستیابی به حق و حقوق انسانی، آزادی و دموکراسی بود.

تحولات نوین جهان عرب باعث شد که بسیاری از تحلیل‌گران و متفکران جهان، نگرش نوینی نسبت به کشورهای عربی و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... این منطقه داشته باشند. برخی از تحلیل‌گران، مسائل دینی را در اعتراضات کنونی جهان عرب موثر دانسته و تأکید بر هویت دینی، تقابل مردم با ارزش‌های غربی و واکنش نسبت به دولت‌ها و سیاست سکولاریستی جهان عرب و واکنش به ترویج ارزش‌های غربی می‌دانند. برخی دیگر از تحلیل‌گران به مسائلی همچون استبداد و خفقان سیاسی طی دهه‌های گذشته و نوع حکومت حاکمان که نخبگان را از گردونه قدرت خارج کرده‌اند و حتی قانون اساسی کشور را نادیده گرفته‌اند، می‌پردازند. مسائل اقتصادی نیز حائز اهمیت است. افرادی همانند کاپلان، نان، فساد و تبعیض را عامل اصلی تحول جهان عرب می‌دانند. به‌خصوص وقتی طبقات پایین وارد تحولات می‌شوند که نارضایتی اقتصادی داشته باشند. زیرا بیشتر نگرش و نوع زندگی این طبقه بر اساس مسائل اقتصادی است.

زنان عرب با حضور فعال و ایفای نقش‌های سیاسی متنوع از بسیج اعضا برای تبلیغات گرفته تا نظارت بر فرایند انتخابات، حضور پررنگ در راهپیمایی‌ها، شبکه‌های اجتماعی و حتی هدایت

و رهبری اعتراضات در فضای مجازی رسانه‌ای ارزش خود را برای حیات و موفقیت نهایی جنبش‌ها به اثبات رسانده‌اند. زنان با حضور گسترده در رخداد‌های اخیر کشورهای عربی ذهنیت موجود در خصوص زنان عرب جهان اسلام را بعنوان افرادی محبوس در خانه، خاموش و کم-اهمیت تغییر داده‌اند و حتی مشارکت زنان محجبه در کنار دیگر زنان در خیزش‌های مردمی در حقیقت خط بطلانی بر تفکرات متحجرانه و تبلیغات مغرضانه ضداسلامی است. اما از آنجا که شرایط جدید کشورهای عربی که در آن‌ها انقلاب صورت گرفته؛ به خصوص کشور مصر پس از انتخابات، انتظار می‌رود که تحولات اساسی جهت سازندگی مصر صورت بگیرد. زنان انتظار دارند که در این سازندگی سهمیم باشند و بیشترین نگرانی زنان با توجه به مردسالار بودن منطقه، نادیده گرفته شدن آن‌ها پس از انقلاب و تصمیم‌گیری نیمی از جامعه برای کل جامعه و بکار گرفته نشدن زنان در موقعیت‌های رهبری و تصمیم‌گیری است. البته از آنجا که در تحولات اخیر، زنان و مردان در کنار یکدیگر در بیان اعتراضات، شروع تحولات، گسترش هدایت و به نتیجه رساندن آن و ... فعالیت دارند، نمی‌توان نقش زنان را به‌طور کاملاً مجزا از مردان بررسی نمود.

رویکرد اسلام به مشارکت زنان در عرصه عمومی

در این بخش، نگرش اسلام به حضور زنان در عرصه سیاسی - اجتماعی زنان براساس نظریات متفکران مسلمان متأخر عرب همچون یوسف قرضاوی و سید محمد حسین فضل‌الله بررسی می‌شود.

در روز خلقت، آدم و حوا به‌گونه‌ای یکسان مخاطب خداوند قرار گرفته‌اند. خداوند برای هر دو ارزش یکسان قائل شده است زیرا که در دین مبین اسلام، مرد و زن در آفرینش از یک جنس هستند. (جوادی املی، ۱۳۸۳، ۶۴). از نظر اسلام، زنان همچون مردان حق ایفای نقش در زمینه‌های سیاسی، قدرت و حاکمیت را دارند. در سوره نمل آیه ۴۴-۲۳؛ خداوند بلقیس (ملکه سبا) را فردی اهل رای و نظر، مشورت و حق‌طلب معرفی می‌کند زیرا وقتی نامه حضرت سلیمان به او رسید، با درایت به حل مشکل پرداخت. (مهریزی، ۱۳۸۱، ۷۵) سنت اسلامی و فعالیت سیاسی زنان، رویکرد مترقی اسلام به حقوق زن در سنت پیامبر و ائمه اطهار آشکارا پیدا است؛ زنان صدر اسلام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همچون مبارزه برضد استبداد، بیعت، هجرت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، که در تحولات اجتماعی آن دوره بسیار حائز اهمیت بوده، شرکت داشتند.

مبارزه علیه استبداد: قرآن کریم برای مسأله غضب و مبارزه علیه ستم، از زنان نیز همچون مردان یاد می‌کند، مثلاً؛ آنچه در جریان مبارزه با ستم فرعونى مطرح می‌شود، مبارزات زنان است. قرآن کریم از سه زن که موسی (ع) را از کشته شدن حفظ نموده و تربیت کردند، به‌عنوان نمونه یاد می‌کند. پرورش موسی کلیم، به عهده سه زن بوده است؛ مادر موسی، خواهر موسی و زن

فرعون. این سه زن، با وضع سیاسی آن روز مبارزه کردند و برای حفظ حضرت موسی جان خویش را به خطر انداختند. (جوادی املی، ۱۳۷۵، ۲۴۹)

بیعت: قرآن کریم بیعت با حکومت که آشکارترین مظهر فعل سیاسی در جامعه می‌باشد، برای زنان

می‌پذیرد. (سوره ممتحنه) و زنان در صلح حدیبیه، بیعت عقبه، بیعت اولی و بیعت ثانی جهت بیعت، حضوری فعال داشتند. (مهریزی، ۱۳۸۱، ۷۰)

جهاد: به روایت تاریخ؛ در جنگ‌های پیامبر و امام علی (ع) زنان زیادی به آب‌رسانی، پرستاری از مجروحان و مداوای آن‌ها، تهیه غذا برای رزمندگان و انتقال اجساد شهدا به نزد خانواده‌هایشان شرکت داشتند، مثلاً؛ در جنگ احد که مسلمانان صحنه نبرد را ترک کردند، ام‌عمار به با سلاح از پیامبر (ص) محافظت نمود. (مهریزی، ۱۳۸۱، ۷۹)

امر به معروف و نهی از منکر: خداوند در سوره توبه آیه ۷۱؛ امر به معروف و نهی از منکر را بر زن و مرد واجب دانستند. این آیه درحقیقت وجوب نظارت و کنترل زنان بر کارگزاران سیاسی را نیز مطرح می‌کند. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ۹۲)

فعالیت اقتصادی: اسلام در هزار و چهارصد سال پیش این قانون را گذارد و گفت: للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن^(۱) مردان را از آنچه کسب می‌کنند و به‌دست می‌آورند، بهره‌ای است و زنان را از آنچه کسب می‌کنند و به‌دست می‌آورند، بهره‌ای است. (نساء ۳۲)

آرا یوسف قرضاوی

یوسف قرضاوی در سال ۱۹۲۶ در مصر متولد شد. از دانشگاه الازهر با رساله دکتری تحت عنوان «الزکاه و اثرها فی حل المشكلات الاجتماعیه»، فارغ‌التحصیل شد. پس از مدتی ریاست دانشکده شریعت و علوم اسلامی در دانشگاه قطر را عهده‌دار شد. او جزو پرکارترین نویسندگان و اندیشمندان اسلامی است. مضامین تمامی آثار وی یکی است. (لزوم برگشت به اصل اسلام اعتدالی) است. (بحرانی، ۱۳۸۴، ۲۷) او اکنون رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان می‌باشد. از نظر قرضاوی زن نیز همچون مرد، انسانی صاحب حق و تکلیف است. و از زنان نیز همچون مردان، خواسته شده تا خدای را عبادت کنند، دین را اقامه و فرایض را به‌جای آورند. از محرمات اجتناب و به خداوند دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند. پس مشارکت سیاسی در یک جامعه دموکراتیک، حق زنان است. اگر در قرآن خطابی با عنوان «ایها الناس» و «یاایها الذین آمنوا» آمده شامل زنان نیز می‌شود، مگر اینکه به‌دلیلی خاص و معین استثنا شده باشند. بر همین اساس، مسئولیت اجتماعی زنان نیز بسان مردان است. شرکت زن در امور اجتماعی قبل از آنکه یک ویژگی اسلامی باشد، یک امر انسانی است. (قرضاوی، ۱۹۹۹، ۱۶۳)

قرضاوی معتقد است؛ بسیاری از سکولاریست‌ها با استفاده نادرست از متون اسلامی، نظر اسلام در مورد زن را مشوش جلوه می‌دهند و می‌گویند؛ اسلام به زنان ستم می‌کند و اجازه نمی‌دهد که استعدادها و توانایی‌های آن‌ها شکوفا شود. بسیاری از آن‌ها به این آیه از قرآن استناد می‌کنند: «ای زنان [پیامبر] در خانه‌هایتان بمانید» (الاحزاب، ۳۳). حال آنکه این آیه خطاب خاص به زنان پیامبر دارد و زنان پیامبر احکام خاص خود را داشتند. (پیشین، ۱۶۴) چنانکه پاداششان دو برابر و عذابشان نیز مضاعف است و نیز به این آیه استناد می‌کنند که: «آن زنان را در خانه‌ها حبس کنید تا اینکه بمیرند یا خداوند راه خروجی را برای آن‌ها قرار دهد» (الاحزاب، ۳۲). این آیه نیز در یک مورد خاص وارد شده و به هیچ عنوان عمومیت ندارد. (قرضاوی، ۱۹۹، ۸۹)

از نظر قرضاوی، تنها موردی که به زنان اجازه داده نشده، مقام امامت عظمی یا رهبری عمومی (رئاسه الدوله) است. سایر احادیثی که در ذم رهبری زنان وارد شده نیز دال بر همین موضوع است. پس «تمامی حکومت را نمی‌توان به زنان داد، اما برخی از مناصب (حتی مقام مرجعیت، صدور فتوی، ریاست امور اداری و قضاوت) را می‌توان و لازم است که مسئولیت آن را زنان به عهده بگیرند. دلیل شرعی بر نامشروع بودن ریاست دادگاه و امور قضایی و صدور حکم توسط قاضی زن وجود ندارد. چنانچه عمر، شفاء دختر عبدالله عدویه را به‌عنوان مأمور بازرسی و مراقبت از اوضاع بازار تعیین کرد. (قرضاوی، ۱۹۹۹: ۱۷۳)

دکتر قرضاوی در ۲۹ آگوست در برنامه «فقه‌الحیات» که در ماه رمضان از کانال ماهواره "انا" پخش می‌شد، در پاسخ سؤال مجری برنامه که درخصوص کاندید شدن زنان برای پارلمان و امثالهم سؤال نمود بیان داشت؛ زن نصف جامعه است. گاه نیز بیش از نصف است. اگر به تأثیر زن بر شوهر و فرزندان بنگریم، این نصف را چگونه اهمال کنیم. اگر کسی نباشد که به نمایندگی از او، پارلمان حضور یابد که قوانین متعلق به زنان، خانواده، کودکان و زنان سالخورده را وضع کند، کار دشوار خواهد بود. چه بسا زنان در این باره، نظر ویژه‌ای داشته باشند که از نگاه مردان نهان بماند.

از جمله؛ عملکرد دکتر قرضاوی جهت حمایت از آزادی زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ایشان از عبدالله بن العزیز، شاه عربستان درخواست نمودند؛ اصلاحاتی در قوانین راندگی این کشور درباره زنان انجام شود تا به آن‌ها اجازه راندگی داده شود. همینطور انتقادی شدید به دولت‌های اروپایی درباره وضعیت زنان داشته و اظهار کردند؛ ایجاد محدودیت حجاب برای بانوان مسلمان در کشورهای اروپایی با آزادی‌های شخصی و دینی تعارض دارد. به گزارش جهان نیوز، دکتر قرضاوی با بیان اینکه تمام قوانین بر آزادی‌های مذهبی تأکید دارند، گفت: ساده‌ترین معنای آزادی دینی این است که تو را برای ترک عقیده‌ات مجبور نکنند. بر اساس دیدگاه شخصی من، استفاده از پوشش روبند (برقع)، واجب نیست، و نص صریحی

برای این امر وجود ندارد؛ اما نمی‌توان جلوی عقاید مذهبی دیگران را گرفت و برای پوشش آن‌ها محدودیت ایجاد کرد.

سید محمد حسین فضل الله

علامه سید محمد حسین فضل الله، یکی از چهره‌های نامدار لبنان و یکی از برجسته‌ترین عالمان دینی و از نواندیشان فقیهان در دنیای اسلام و جهان تشیع است. از نظر شیخ فضل الله، زن، انسانی است توانا که فهم رشد، پیشرفت و نوآوری در اندیشه و کار را به‌هنگام فراهم آمدن شرایط واقعی برای شکوفا ساختن این در گردش زندگی در دست دارد. شیخ فضل الله تنها تفاوت زن و مرد را تفاوت در وظیفه می‌داند نه تفاوت در ماهیت و این تفاوت در وظیفه، هیچ ارتباطی به برتری میان مرد و زن ندارد. (فضل الله، ۱۳۸۳، ۳۱) از نظر علامه فضل الله، جنبش اسلامی حرکت مردان بوده نه زنان و در این حالت، مرد امتیازات خود را می‌گیرد، دوم آنکه بیشتر این رهبران به دلیل شرایط آغاز جوانیشان با زنانی ازدواج کرده‌اند که در سطح بالایی از فرهنگ بوده‌اند. سوم؛ رهبران مزبور از بامداد تا شامگاه، گرفتار مسائل کاری خود هستند و آزاد گذاشتن آن‌ها برای شرکت در مبارزات اسلامی، حرکتشان را در عمل دچار شگفتی می‌سازد. زیرا مؤسسات اجتماعی که زنان را در این حرکت یاری کنند، وجود ندارد. از این جهت، گاهی فعالیت زن دچار مشکلاتی می‌شود. چهارم آنکه باید توجه داشت که جنبش‌های اسلامی از بالا به پایین آمده‌اند یعنی؛ جنبش‌های سیاسی‌اند نه فرهنگی. بنابراین جنبش آن‌ها نمادی از یک بعد فرهنگی نیست که بتوان بر پایه آن حرکت کرد. با این همه، بر زن لازم است که مبارزه کند و بکوشد تا برای خویش سنگرهای مقدم را فتح کند. (فضل الله، ۱۳۸۳، ۳۱)

شیخ فضل الله اعتقاد به جنبه‌های مثبت فراوانی برای زن معاصر دارد. زیرا زن معاصر را زنی می‌داند که درهای معرفت را به روی خود گشوده، امکان کسب مهارت و تجربه عملی را داشته و توانسته نوآوری را در موقعیت‌های علمی از خود بروز دهد و نتایج مثبت فراوانی را در این زمینه بدست آورد. در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز بطور کلی وضع به همین گونه است. با این همه نمی‌توان منکر شد که این خیزش توانسته دستاوردهای زیادی برای زنان به بار آورد با اموری همراه است که به اخلاق و وجهه زن آسیب رسانده؛ مانند استفاده از زیبایی زنان به عنوان ابزار تبلیغاتی. (فضل الله، ۱۳۸۳، ۷۸). «اسلام از راه وادار نکردن زن به کار در منزل فرصتی برای ساختن جامعه‌یی که در آن زندگی می‌کند، برای او فراهم آورده است. او از دیدگاه اسلام به این کار مکلف است. زنان همچون مردان مکلف به امر به معروف و نهی از منکر که خود نشانه‌ای از نظارت عملی اجتماعی بر ضد انحراف در هر زمینه زندگی است و این نقشی است که گاهی تا سطح انقلاب برضد ستم و انحراف می‌رسد.» (فضل الله، ۱۳۸۳، ۷۹)

آداب و سنن و فرهنگ در کشورهای عربی

قبیله در عرب به گروهی گفته می‌شود که با محوریت خویشاوندی (نسب) و خون در راستای بهبود معیشت خود به همکاری با یکدیگر مشغول باشند. (احمد العلی، ۱۳۸۲، ۱۵۳) مردمان عرب بیابان‌نشین بودند. بیابان‌نشینان پیوسته به دنبال آب در حرکت بودند و در این نقل و انتقال، زن و فرزند را همراه خود داشتند و چون صحرا صحنه تلاش است، برای پیروزی بر موانع احتمالی به تنهایی از یک خانواده کاری ساخته نیست. به‌ناچار در این گردش چند خانواده با هم هستند اما این خانواده را باید عاملی به هم پیوند (نسب یا سبب) چنانکه با هم برادر، پسرعمو و ... باشند یا زناشویی آن‌ها را با هم پیوند دهد. این واحد که شمار افراد آن بستگی به میزان ارتباط آن‌ها با یکدیگر دارد؛ در اصطلاح قوم نامیده می‌شوند و از ترکیب چند قوم، قبیله پدید می‌آید. (ثابت، ۱۳۸۹، ۶۹) رهبری قبیله به عهده شیخ است که معمولاً سالیان عمر او بیش از دیگران است، بقیه افراد باید از او تبعیت نمایند و داوری در خصومت‌ها، فرمان جنگ دادن، پیوستن به تیره دیگر و یا گسستن از آن با اوست تا آنجا که رای شیخ در تثبیت عقیده و پذیرفتن کیشی یا رد آن با اوست و اگر شیخ کیشی یا آیینی را بپذیرد، طبعاً همه افراد قبیله باید بپذیرند.

هر عضو قبیله مجبور بود حتی برخلاف میل باطنی خویش، نظام قبیله را بپذیرد. هیچکس حق نداشت، از رأی و دستور شیخ و رهبر قبیله و یا از سنت و نظام قبیله گام بیرون نهد. وحدت قبیله بسیار مهم بوده و هر عضو قبیله در حفظ، استحکام و تداوم این روابط مسؤول بود. درمقابل این وظایف، هر عضو قبیله از حقوق و امکانات مساوی بهره می‌برد. اگر جرمی اتفاق می‌افتاد، تمام قبیله در مقابل آن مسؤول بودند و اگر افتخاری کسب می‌شد، این افتخار شامل همه افراد قبیله بود. (نوری، ۱۳۵۷، ۶۵۲) در قبیله، نظام فرهنگی پیرو عادات، رسوم و روش زندگی آن‌ها بنا نهاده شده بود. در بین اعراب مثلی است که می‌گوید: «من رویاروی برادرم و پسر عمویم ایستاده‌ام و من و پسر عمویم رویاروی بیگانه.» (نوری، ۱۳۵۷، ۶۵۴)

افتخار به حسب، نسب، قوم و قبیله: عرب چون بیشتر ارتباطاتش با قبیله بوده، تمام افتخارات خود را نیز محدود به این قبیله می‌داند. افتخار به قوم، قبیله، حسب و نسب در عرب بسیار رایج بود. به همین دلیل علم انساب در عرب بسیار مورد توجه بوده است. همچنین عرب به گذشته و اتفاقات آن بسیار فخر می‌فروخت. (محمد ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۲۲۵). عصبیت و پیوند عشیره‌ای: در هنگام جنگ و خونریزی اصلاً برای عرب جاهلی مهم نبود که حق با کیست. فقط دفاع از خود، خانواده و قبیله برای او مهم‌ترین مسأله بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که اعراب در حال جنگ داخلی با یکدیگر بودند، اما همین که یکی از ایشان مورد حمله بیگانه‌ای واقع می‌شد، به سرعت با یکدیگر متحد شده و اختلافات را فراموش می‌کردند. این همان عصبیتی است که قرآن کریم از آن به حمیت جاهلی تعبیر کرده است. (آئینه‌وند، ۱۳۶۲، ۳۶)

جایگاه اجتماعی زنان

عواملی که باعث می‌شود، مقام و منزلت اجتماعی زن برتری یابد، نخست؛ خون و نسب (الاندلسی، ۱۴۰۹ ق، ۱۱۲) و دیگر داشتن فرزند پسر بود؛ بطوریکه زن عاقر و بدون فرزند، هیچ ارزشی نداشت. به‌راحتی از محیط زندگی خود طرد می‌شد و به خانه پدری برمی‌گشت. (یعقوبی، ۱۳۷۸، ۲۵۷) درست است که مردان عرب، چند زن را به همسری می‌گرفتند اما زنان در ازدواج اجازة انتخاب داشتند و می‌توانستند همسر آینده خود را انتخاب کنند؛ مثل هند که ابوسفیان را به همسری برگزید. (اندلسی، ۱۴۰۹ ق، ۹۷) در برخی امور زنان مورد مشورت واقع می‌شدند. به‌عنوان مثال؛ در اختلافی که عبدالمطلب با قریش پیدا کرد، آن‌ها توافق کردند نزد زنی کاهن در شام بروند و اختلاف خود را مطرح کنند تا میان آن‌ها داوری کند. (ابن هشام، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳۰) پدر سالاری

از لحاظ تاریخی، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی را «کمر بند پدرسالاری» نام نهاده‌اند. تعریفی که طرفداران تساوی حقوق زن و مرد از پدرسالاری می‌کنند، بسیار گسترده است. زیرا هر نوع برتری مردان را نمونه پدرسالاری توصیف می‌کنند. ایمن خلیفه در مقاله پدرسالاری و بحث پوشش بیان می‌دارد که دلایل سیاسی و اقتصادی گوناگون ساختارهای روستایی پدرسالاری کلاسیک در شهرهای مصر رواج ندارد اما «پدرنما»ها و «دیکتاتورهای خیرخواه» در ساختارهای قدرت در جهان عرب هنوز مورد احترام قرار دارند. این سنت که "داشتن رهبر غیر منصف، برای شش سال بهتر از بی‌رهبری است «هنوز در طرز برخورد و نگرش خاص بسیاری از اعراب دیده می‌شود. پدرسالاری اقدامات بی‌شماری را با هدف کنترل زنان در بردارد. دلایل مذهبی یا فرهنگی برای قید و بندهای اخلاقی (در ازدواج و حجاب زن جدایی فیزیکی بین زنان و مردان، محرومیت از استقلال و ابزارهای اقتصادی (حقوق ارث و کنار گذاشته شدن از نیروی کار) ذکر می‌شوند. (شادلو، ۱۳۷۷، ۱۱۲). منا اباظه، صور گوناگون پدر سالاری را با نظریه‌های کلاسیک وابستگی کشورهای جنوب به شمال مقایسه کرده است و بویژه بر حالت موجود میان یک مرکز و یک پیرامون که بر پایه‌ای نابرابر با یکدیگر در ارتباط هستند. کاندیوتی معتقد است که این‌گونه پدرسالاری نهادینه شده، امنیت زنان را تأمین می‌کند ولی هم‌زمان و به‌طور ناسازگاری آن‌ها را مورد ستم‌دیدگی قرار می‌دهند (شادلو، ۱۳۷۷، ۱۱۳)

در جوامع پدرسالاری که همه چیز در آن به سود مردان پایان می‌پذیرد و براساس پدرسالاری نوین استوار است، سیاست به مردان اختصاص دارد و زنان این زمینه را برای خود بیگانه و به دور از چارچوب تخصصی خویش می‌شمارند. (Ann Phillips. 1991. p79) در نتیجه بررسی مرکز مطالعات استراتژیک درباره نقش زنان و دموکراسی در اردن مشخص شد که ۷۷/۳ درصد از زنان شرکت‌کننده در این بررسی اظهار عقیده کرده‌اند که مردان، سیاست‌مداران بهتری هستند. زیرا در مقایسه با زنان، از توانایی بهتری در تصمیم‌گیری برخوردار هستند. این درصد بالا نشانی

آشکار از گسترش افکار ناهنجار در میان زنان است که معتقد به پایین بودن سطح خود نسبت به مردان هستند. (فادیه الفقیر ، ماجد نجار، ۱۳۸۲، ۲۳۵) بررسی این مرکز نشان می‌دهد که در پاسخ به پرسشی درباره انتخاب یکی از نامزدهای زن یا مرد برای نمایندگی پارلمان در شرایط مساوی از نظر توانمندی و امکانات اعلام کردند که ۶۸/۵ درصد از مجموع ۱۰۳۲ زن، به سود نامزد مرد رأی می‌دهد و چنین توجیه کردند که دین زن را از شرکت در سیاست منع کرده و مردان خرد و تجربه بیشتری در تصمیم‌گیری دارند. (پیشین ، ۲۳۶) نتایج این بررسی نشان دهنده گستردگی آثار این نوع پرورش اجتماعی بر زنان و همچنین اثر آن در ساخت آگاهی‌های آن‌ها مبنی بر اینکه از مردان کمتر و ناتوان‌ترند می‌باشد. هنگامی که زنان با این آگاهی‌های بی‌اساس روبه‌رو می‌شوند، برای خود تفسیرهای نابخردانه مطرح می‌کنند که گاه تکرار بعضی از تفسیرهایی است که بر اساس برتری و حاکمیت مرد در جامعه استوار است و از سوی مردان مطرح می‌شود. (فادیه الفقیر ، ماجد نجار، ۱۳۸۲، ۲۳۶)

تغییر در ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جهان عرب

فرهنگ عمومی و اجتماعی در کشورهای عربی دارای ویژگی‌هایی بود که آثار آن در جوامع نوین همچنان قابل مشاهده است. فرهنگ مخاصمه، رقابت و حذف رقبا، علاقه به نزدیکان و واگذاری سمت‌های کلیدی به افراد خاندان، بی‌اعتمادی به افراد غریبه و محافظه‌کاری شدید از جمله این ویژگی‌ها است. توجه به سنت‌های قبیله‌ای در نزد حکام عرب بویژه در چند دهه اخیر، تأثیرات مهمی بر تحولات ساختار جامعه، شبکه روابط اجتماعی و فرهنگی به جا گذاشته است؛ تغییر و استحاله از یک جامعه سنتی و خودکفا به جامعه‌ای نو و دگرگون شده که در آن تار و پود زندگی با فناوری مصرفی و وارداتی در هم آمیخته و مسائل اجتماعی، فرهنگی فراوانی در پی داشته است. بدویان قبایل که عادت به خیمه زدن و زندگی در کلبه‌های خشتی، گلی و شترسواری داشتند؛ ناگهان به شهرها هجوم آوردند و تسلیم وضعیت جدید شدند. رشد سریع اقتصادی ناشی از نفت در بعضی از کشورهای عربی، تحولات اجتماعی بزرگی چون افزایش جمعیت، ظهور حیات جدید اجتماعی و رشد تحصیلات مردان و زنان را به همراه داشته است. این نوگرایی که منشأ خارجی داشت، فاقد ارتباط نهادینه با گذشته این جوامع بود. مدرنیته از هر جا به این منطقه وارد شد، خود را در محیطی مشاهده کرد که از نظر فرهنگی تجانس و وجود نداشت. البته این نوگرایی وارداتی که به‌طور عمده ریشه غربی دارد، کشورهای منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از حوزه‌هایی که جهانی شدن در آن تأثیرات مشخص و روشنی بر جای گذاشته، حوزه فرهنگ است. جهانی شدن فرهنگ، در مناطق مختلف جهان و در حوزه‌های متنوع فرهنگی چالش‌هایی جدی پدید آورده است. کشورهای عربی نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند و جهانی شدن فرهنگ، بخش‌های مختلف زندگی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. جهانی شدن فرهنگ

که با استفاده از گسترش فناوری‌های رسانه‌ای در قالب شبکه‌های متنوع ماهواره‌ای و راه‌اندازی شبکه جهانی اینترنت خود را بر این منطقه تحمیل کرد، تأثیرات شگرفی را در پی داشت. از عمده‌ترین این تغییرات، کاهش سطح وفاداری‌های قبیله‌ای و تقویت مفهوم شهروندی، تعریف دوباره از جایگاه زن و افزایش تضاد میان نخبگان فکری را می‌توان نام برد. راهبرد دولت‌ها و اندیشمندان این کشورها در مقابل این پدیده در حال تبدیل از مقاومت به تعامل است و باز کردن فضای فرهنگی، فاصله گرفتن از ملت‌ها، سنن و عادات عشیره‌ای و حرکت به سمت ترکیب مناسب عناصر ارزشمند سنتی، فرهنگی و ارزش‌های جدید حاصل از میراث بشری، از جمله اقدامات آن‌ها به‌شمار می‌رود. (تشانج هونج، ۲۰۰۱، ۵۹)

کشورهای منطقه با توجه به وضعیت فرهنگی مبتنی بر قومیت و عشیره، در صدد ایجاد تعاملی سازنده با فرهنگ جدید جهانی شده هستند. فرهنگ جدیدی که سطح وفاداری‌های موجود را تغییر داده و این فرصت را برای جوامع مختلف به‌وجود آورده است که با رفع نقاط آسیب‌پذیر فرهنگی خود، تعاملی سازنده با عصر جدید داشته باشند و این مسأله را مورد توجه قرار دهند که اگر به‌واسطه تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه بخواهند در مقابل امواج تغییر مقاومت کنند و حاضر به ایجاد ساز و کارهای سازنده و متعامل نباشند، طی مدت کوتاهی به بحران‌های بزرگی مبتلا خواهند شد. فرهنگ و نقش انکارناپذیر آن به عنصری اساسی در تحلیل وضعیت جوامع تبدیل شده است. در گذشته روابط بین‌الملل، دولت و ملت‌ها، قدرت نظامی و اقتصاد از عناصر اساسی در شناخت سیستم‌های حاکم جهانی به حساب می‌آمدند اما امروزه این جهت‌گیری به موازات ورود فرهنگ، قومیت و مذهب به صحنه دچار تغییر اساسی شده است و جنبه‌های فرهنگی از موارد اصلی و تعیین‌کننده در تعاملات و روابط بین‌المللی محسوب می‌شود. این موضوع تا جایی پیش رفته که موجب تغییر موضع دانشمندان واقع‌بین سنتی نظیر هانتینگتون شده است. (Samuel Huntington، 1993، 42)

عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن فرهنگ در کشورهای عربی کاهش سطح تعلقات عشیره‌ای، مواجه کردن هویت‌های نوعی یعنی؛ زبانی، قومی و فرهنگی است. فرهنگ جهانی شده با استفاده از رسانه‌های جمعی به یکی از اصلی‌ترین ابزار در جهت افزایش آگاهی‌های عمومی و در نتیجه، تضعیف فرهنگ‌های محلی و ملی تبدیل شده است. در کشورهای عربی، رسانه‌های جمعی نظیر اینترنت و ماهواره، تابوها و مقدسات فرهنگ‌های سنتی را به‌راحتی زیر پا می‌گذارند. جوامع در حال انتقال عرب، شاهد تغییرات اجتماعی هستند و مسأله هویت و شخصیت قومی، مذهبی، زبانی و... و نیز شکل‌گیری گروه‌بندی‌های مشخص اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و ایدئولوژیک از جمله عوامل ایجاد چالش و تنش در این کشورها محسوب می‌شود. با گسترش توسعه، جوامع عرب با پایگاه‌های سنتی به‌تدریج لرزان و سست می‌شوند. در جوامع فعلی، مفهوم شهروند جدید با مفهوم سنتی آن یعنی نوع قبیله‌ای و نژادی تفاوت دارد و برخورد میان این مفاهیم و مسأله دوگانگی میان شهر و قبیله از چالش‌های عمده این کشورها به‌شمار می‌رود. اقتصاد نفتی به ایجاد طبقه

متوسط یا جدید در ساختار اجتماعی کشورهای این منطقه کمک کرده است. تغییرات ساختاری، بالا رفتن درصد جمعیت شهرنشین و نیز پیدایش طبقات بازرگانان، فرهنگیان، تحصیل‌کردگان و کارمندان از پیامدهای چنین روندی است که به‌کلی با قشرهای دامدار، روستایی و ماهیگیر قرون گذشته متفاوت است. طبقات جدید در کشورهای عرب منطقه، اغلب عاری از پیوندهای قبیله‌ای و فرقه‌ای بوده و فاقد احساس وفاداری مطلق به خاندان حکام هستند، هرچند که از حقوق و مزایای موجود استفاده می‌کنند. (امامی، ۱۳۸۰، ۲۵۲)

تحولات اخیر، نشان‌دهنده انعطاف علما و دخالت دادن عناصری نظیر مصلحت در این خصوص بوده است. دکتر طنطاوی، شیخ الازهر که در مارس ۱۹۹۸ در همایشی اعلام کرده بود؛ هرگز برای زن جایز نیست رئیس‌جمهور شود، در سال ۱۹۹۹ همزمان با انتخابات اندونزی، چنین ریاستی را جایز دانست. (امام‌زاده فرد، ۱۳۷۹، ۵۸۲) به‌طور کلی زنان از نقش سنتی خود در خانه، به نیروی کار مؤثری تبدیل شده‌اند که می‌تواند تغییرات اقتصادی و اجتماعی مهمی در این کشور ایجاد کند. تمام کشورهای منطقه بجز عربستان در جهت افزایش حضور زنان در آموزش عالی گام‌های بلندی برداشته‌اند. در قطر از سال ۱۹۹۹، زنان بیش از ۷۰ درصد دانشجویان را تشکیل می‌دهند و در بحرین این نسبت به ۶۰ یا ۶۵ درصد می‌رسد.

یکی از دلایل اصلی توجه به مسائل زنان، فشار افکار عمومی در سطح جهانی و دولت‌های غربی در مناسبات با آن‌ها بود که انعطاف کشورهای منطقه را در این خصوص به‌دنبال داشت. زنان این کشورها که مانند سایر جوامع، تحت تأثیر انقلاب رسانه‌ای، هر روز شاهد گسترش شأن اجتماعی و سیاسی زنان کشورهای مختلف هستند، وضعیت موجود خود را یک وضعیت تأسف‌انگیز می‌دانند. دولت‌های عربی منطقه در طول دهه گذشته، بر اثر پدیده جهانی شدن در زمینه تعریف دوباره شأن و جایگاه زنان، قدم‌های مؤثری برداشتند که می‌تواند نویدبخش احیای حقوق معوقه و ضروری آن‌ها باشد. اکنون جوامع عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس از نظر فرهنگی نیز در حال گذار هستند و با توجه به تغییرات ایجاد شده در حال دور شدن تدریجی از وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای، قیود و تعصبات ناشی از آن و حرکت به سمت مفاهیم جدید فرهنگی یا ترکیبی از مفاهیم ارزشمند فرهنگ سنتی و ارزش‌های پذیرفته شده جهانی هستند.

حجاب و تأثیر آن بر فعالیت زنان

آنچه درباره حجاب در کشورهای اسلامی قابل ذکر است؛ تفاوت‌های شکلی، قانونی و عرفی در میزان رعایت و نوع حجاب زنان است. در برخی کشورها، الزامات قانونی برای رعایت حجاب وجود دارد و در برخی دیگر این الزامات وجود ندارد. از نظر عرفی نیز این تفاوت قابل مشاهده است. در کشور مصر نیز چند نوع حجاب وجود دارد. نخست؛ بلوز و شلوار یا دامن بلند همراه روسری یا کلاه برای پوشاندن مو. دوم؛ الخمیار بجای روسری و الگیلباب به جای بلوز، شلوار

و دامن و سوم؛ علاوه بر الخمیار و الگیلباب، النقاب هم اضافه می‌شود. زنان در دو سبک اول لباس پوشیدن به « محجبه» موسوم هستند و در سبک سوم «مناقبه» نامیده می‌شوند. (شادلو، ۱۳۷۷، ۱۰۷) پس مفهوم حجاب در کشورهای عربی و اسلامی به شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شود. این امر تحت تأثیر عوامل مهمی چون قوانین جاری، احکام شرع، عرف و میزان پایبندی و علاقه‌مندی زنان قرار دارد.

در بسیاری مواقع، حجاب به یک مسأله سیاسی تبدیل می‌شود و زنان با انتخاب نوعی از حجاب و یا بی‌حجابی برای نشان دادن برخی از خواسته‌های سیاسی استفاده می‌کنند. تبدیل شدن حجاب به نماد زن مسلمان انقلابی بویژه در کشورهای لائیک یا بدپوشی تعدادی از بانوان و یا دخالت دولت‌های غربی در موضوع حجاب، همچنین ممنوعیت حجاب از سوی حکومت‌های مسلمانی همچون افغانستان، ترکیه، تونس (قبل از انقلاب در این کشور) ایران در چند دهه قبل نشانی گویا از حساسیت حوزه سیاست به موضوع حجاب است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۲۴) یا زمانیکه دولت تونس و ترکیه حجاب را ممنوع کردند و بسیاری از زنان، از حضور در محل کارشان و ادامه تحصیل در دانشگاه خودداری کردند. البته رسانه‌های غربی گزارشی از این حوادث منتشر ساختند. (تبسم ف. رویی، ۱۳۸۷، ۲۴۸) زنان مسلمان در کشورهای غربی مانند فرانسه با حجاب می‌خواهد توجه فرانسوی‌ها را به حضور خود جلب کنند و بگویند که من مسلمان هستم. این در حالی است که فرانسوی‌ها از اسلام متنفرند. با وجود چنین مسائلی، من به عرب بودن و مسلمان بودنم افتخار می‌کنم ... حجاب برای آن‌ها هم نشانه امنیت و هم نشان‌دهنده عشق به اسلام و پایبندی به اعتقادات مذهبی است. (هلن واتسون، ۱۳۸۲، ۳۷)

فرانتس فانون اندیشمند آفریقایی است که درباره زنان الجزایر در دوران استعمار فرانسه بیان می‌دارد که "حجاب و بی‌حجابی زن الجزایر، بخشی جدا نشدنی از تأکیدات او بر هویت قومی، فرهنگی و تمدنی اوست. هنگامی که استعمارگران فرانسوی زنان الجزایر را به بی‌حجابی تشویق می‌کردند، پایبندی آن‌ها به حجاب به‌عنوان نمادی برای مقاومت بیشتر شد. در مقابل وقتی که مقاومت با هدف نفوذ در استعمارگران فرانسوی و قرار دادن مواد منفجره در محله‌های مسکونی بیگانه از برخی زنان خواست بدون حجاب این کار را انجام دهند پذیرفتند." البته این کناره‌گیری حجاب، موقت و از روی مصلحت برای انجام مبارزات بوده است. (حق‌شناس، ۱۳۸۷، ۲۵۰) "همچنین مبارزه زنان ترکیه (۱۳۱۳) تونس (۱۹۸۱م) و ایران (۱۳۱۴) نمونه‌های استفاده از حجاب به‌عنوان یک سلاح مبارزاتی بود و برخی کارشناسان معتقدند؛ در انقلاب کشورهای عربی، "حجاب" یکی از نمادهای مبارزات زنان عرب است.

جهانی شدن و حجاب در اسلام

کشمکشی که در آغاز سده بیستم درباره حجاب درگرفت، تا آستانه قرن بیست و یکم ادامه یافت، گرچه شیوه متفاوتی یافت. در نیمه نخست سده بیستم، به کشف حجاب رو آوردند، به-خصوص در مصر و شام، ندای آزادی زنان رو به فزونی رفت. نخستین مجلات زنانه در مناطق شرق عربی چاپ شد که تمدن را به کشف حجاب ربط می داد و در گستره عمومی به رفع حجاب، تشویق و ترغیب می کرد. این اقدامات از این جهت بود که کشورهای عربی در این زمان زیر سیطره استعمار اروپا بودند. در مقابل (این اقدامات) گروه‌های دینی، ترس بسیار خود را (از پیامدهای) این وضع ابراز کرده و حالت دفاع گرفتند که بیانگر سخت‌گیری گروه‌های دینی بر زنان است، به‌گونه‌ای که حتی برخی از آنها درباره آموزش زنان، محافظه‌کارانه احتیاط می‌کردند، زیرا ادبیات (دگراندیش) لازمه آموزش و تمدن را آزادی زنان و کشف حجاب می‌دانست. اما در نیمه دوم قرن، برخوردها دگرگون و به شکلی دیگر نمودار گشت. در این برهه به حجاب روی آورده شد و نظرها به سرعت و گسترش رواج این پدیده جلب گردید. گروه‌ها و اقشار مختلف، به‌خصوص در دو دهه اخیر قرن بیستم، حجاب را پذیرفته و برای دیگر اقشار مستضعف یا دختران آموزش ندیده و یا مردمان روستایی شمرده نمی‌شد، بلکه ثروتمندان و تحصیل کرده‌های سطح عالی، شهرنشینان و دیگر دسته‌ها و گروه‌ها، حجاب داشتند. (زکی المیلاد، پیشین، ۱۶)

در جوامع گذشته، انتخاب مدل و رنگ لباس تابع تمایلات شخصی و تأثیراتی بود که زنان طایف و شهر بر یکدیگر می‌گذاشتند و اینکه الگوهای پوشش از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل شود، دور از انتظار بود بویژه آنجا که تعصبات فرهنگی و آموزه‌های دینی، مردم را از تقلید بیگانگان بر حذر می‌داشت اما امروزه گسترش ارتباطات و مسأله جهانی شدن زمینه تأثیرگذاری زنان بر یکدیگر را بسیار تسهیل نموده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت؛ همه روزه با انواع جدیدی از مدل‌های لباس مواجه باشیم. توجه به این نکته می‌تواند هم توضیحی بر تنوع روزافزون پوشش زنان باشد و هم پیچیده‌تر بودن کنترل وضعیت را بیان کند و نیز توضیحی برای اهمیت توجه به موضوع پوشش در موقعیت کنونی جوامع باشد. (زیبایی-نژاد، ۱۳۸۷، ۲۲)

بحث حجاب و پوشش، جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا درباره فرایند جهانی شدن و پست مدرنیته دارد. مناقشات زیادی درباره معنی و اهمیت حجاب در جوامع پیشین و امروزی وجود دارد. به نظر می‌آید، حجاب به‌عنوان یک موضوع مورد مناقشه عمومی، به یک اندازه مورد علاقه مفسران و صاحب‌نظران باشد. این موضوع مرزهای فرهنگی بین شرق و غرب و مسلمان و غیر مسلمان را درنوردیده است. مباحثی که درباره حجاب مطرح شده است، شامل نظریات مناقشه برانگیز و پرطمطراقی است که بر مسائل پسامدرنی از قبیل سبک، نمادشناسی، مصرف‌گرایی و مسائل قدرت و بازنمود استناد می‌کند. (هلن واتسون، ۱۳۸۲، ۴۲) گسترش جهانی مهاجرت و

تبادلات بین فرهنگی، موجب حضور آشکار زنان محجبه در کشورهای غربی شده است. با این همه، این بدان معنا نیست که یک مفهوم کثرت‌گرایانه و حساس از حجاب در تصور عموم مردم غرب نقش بسته است. با افزایش ارتباطات و تبادل اطلاعات و مسأله جهانی شدن نوع پوشش و حجاب در کشورهای عربی نیز تحت تأثیر کشورهای غربی قرار گرفته است و زنان دچار ژلاتینی شدن فرهنگ و هویت شده‌اند. از طرفی به فرهنگ، هویت و حجاب اسلامی و عربی خود گرایش دارند و از جهتی تحت تأثیر فرهنگ، هویت و حجاب کشورهای غربی می‌باشند.

تأثیرات فرهنگ دموکراسی بر جایگاه زنان در اسلام

فرهنگ پدرسالارانه و عشیره‌گرایی یا همان فرهنگ قبیله‌ای و پاتریمونیالیستی حاکم بر مردم خاورمیانه، یکی از مهم‌ترین ویژگی کشورهای عربی است. سنت زندگی قبیله‌ای، پذیرش اصل شیخوخت و گرایش‌های کاریزماتیک که با آمریت نیز همراه می‌باشد، زمینه ذهنی مردم این منطقه را شکل می‌دهد. فرهنگ پذیرش شاه یا شیخ در این کشورها که به واسطه تاریخ دولت‌های حاکم بر آن به وجود آمده است، روحیه استبدادپذیری و آمریت را نیز در میان مردم پدید آورده است. در این نگرش، پادشاه مظهر اقتدار ملی و فره‌ایزدی با ماهیتی کاریزماتیک است که باید از او تبعیت کرد. مسلماً این بینش با دموکراسی به آسانی قابل جمع نمی‌باشد. (علوی، ۱۳۷۴، ۶۷) همانطور که در توضیحات بخش فرهنگ در کشورهای عربی بیان شد، بر اساس فرهنگ پدرسالاری اقدامات بی‌شماری با هدف کنترل زنان عرب صورت می‌گیرد؛ مانند محرومیت از استقلال و ابزارهای اقتصادی، حقوق ارث و کنار گذاشته شدن از نیروی کار.

خانم الخطایی یکی از فعالان طرفدار حقوق زنان و خبرنگار زن عربستان می‌گوید: ضمن اینکه از برخورد مثبت گروه‌های نوپرداز و روشنفکران جهان عرب ابراز خوشحالی می‌کند، معتقد است که بعضی از افراد طایفه وی حاضر نیستند او را حتی برای یک بار ببینند و ریش سفیدان قبیله او را باعث ننگ خویش می‌دانند. (شایان، ۱۳۸۳، ۲۷۴). برخی از محققین با این نظر موافق و عده‌ای نیز مخالف هستند. به نظر آن‌ها عراق و لبنان دو کشور عربی هستند که قبایل مختلفی درونشان زندگی می‌کنند، ولی امروزه موفق شدند نسبت به دیگر کشورهای عربی به نظم انتخاباتی آزاد نزدیک شوند. مصر و تونس نیز به‌عنوان کشورهایی هستند که نسبت به دیگر کشورهای عربی از انسجام قومی بیشتری برخوردارند اما قبل از انقلاب حکومت خودکامه در این دو کشور حکمرانی می‌کرد. دو نمونه ذکر شده باعث ابطال نظر کسانی است که معتقدند؛ وجود قبایل مختلف مانع برقراری دموکراسی در این کشورها شده است.

فرهنگ عربی و جایگاه زنان در اسلام

از ویژگی شهروندان در کشورهای دموکراسی این است که دارای حق رأی باشند، در فرایند سیاسی شرکت کنند و مسئولیت‌پذیر نیز باشند. شهروندان در انتخاب رهبران خود مشارکت دارند و از اعمال زور از سوی رهبران جلوگیری می‌کنند و قادرند گروه‌های فشار محدود و مستقلی را ایجاد نمایند. اما شهروندی در کشورهای عربی به‌گونه‌ای دیگر است و چندان خبری از موارد مذکور در منطقه دیده نمی‌شود. برای مثال؛ دولت‌های عربی، مخصوصاً لبنان، سوریه، اردن، مصر و کویت از دو اصل اساسی سیستم خون و خاک برای تعریف مفهوم شهروندی استفاده می‌نمایند. این دو اصل چارجوب قوانین شهروندی عرب را تشکیل می‌دهد و این مفهوم در این سطح باقی می‌ماند. (رسول افضلی، ۱۳۷۹، ۱۰۷-۱۰۵) با وجود آنکه قانون اساسی عربی، حقوق تمامی افراد را بدون در نظر گرفتن دین، نژاد و جنس آن‌ها تضمین کرده است اما بعضی افراد از مساوات بیشتری برخوردارند. متون و مواد قوانین اساسی موارد مربوط به تساوی حقوق به صورت نوشته-هایی بی‌خاصیت باقی می‌ماند. این متون صرفاً برای به‌وجود آوردن دیدگاهی مثبت در غرب درباره این رژیم‌ها است و اجرای آن‌ها همچنان نادیده گرفته می‌شود. (فادیه‌الفقییر، ۱۳۸۲، ۲۴۶) مثلاً؛ قوانینی که به حق یکسان برای زنان در مقایسه با مردان تأکید دارند؛ ماده ۲۵ از فصل قانون اساسی امارات، ماده اول فصل اول قسمت (د)، قانون اساسی بحرین، ماده ۲۶ فصل پنجم حقوق در واجبات در عربستان، ماده ۱۷ از فصل پنجم قانون اساسی عمان، ماده ۳۴ و ۳۵ فصل سوم قانون اساسی جدید قطر و ماده ۲۹ فصل سوم قانون اساسی کویت بر تساوی حقوق زن و مرد اشاره دارند. (الکتبی، ۱۳۸۳، ۱۵۲) با وجود تمامی این قوانین، واقعیت این است که در اکثر کشورهای عربی زنان از جنبه‌ها و زمینه‌های کمتری برخوردار هستند و حتی می‌توان زنان را "شهروند درجه دوم" نامید که خود به‌روشنی نشان‌دهنده وضعیت وابستگی و دنباله‌روی بی‌چون و چرای زنان عرب است. در این زمینه، مثال‌ها و نمونه‌های بسیاری وجود دارد. مثلاً زنان اردنی و به‌طور کلی اکثر زنان در کشورهای عربی نمی‌توانند تابعیت اردنی را به همسران و فرزندان خود اعطا کنند و برای تغییر محل اقامت و یا اشتغال به مجوز نیاز دارند. در زمینه احوال شخصی که بیشتر موارد آن بر تفسیرها و تأویل‌های خلاف واقع از شرع استوار است، زن از حق طلاق برخوردار نیست. (فادیه‌الفقییر، ۱۳۸۲، ۲۴۷)

تأثیر غرب بر دموکراسی‌خواهی زنان جهان اسلام

غرب در تحلیل کمی درباره ضرورت توسعه کشورهای جنوب، به‌طور کلی و کشورهای عربی به‌طور خاص به این جمع‌بندی رسید که توسعه‌نیافتگی کشورهای عرب، مهم‌ترین زمینه‌ساز تروریسم است و تأکید می‌کند که منطقه باید به سوی دموکراسی و حکومت‌های شایسته‌تر غیب شود. (موسوی، ۱۳۸۴، ۳۰) اما از آنجا که ایالات متحده و غربی‌ها، اسلام رادیکالی را به‌عنوان

یک مانع در تحقق دموکراسی در این کشورها قلمداد می‌کنند و همچنین خواهان ترویج دموکراسی به مفهوم مدرن در این کشورها هستند و اعطای حقوق و آزادی به زنان در رأس استراتژی آن‌ها قرار دارد. (امیدی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴، ۲۳۰) امروزه مفهوم دموکراسی، از محدوده دفاع از حقوق شهروندان کنونی فراتر رفته و حقوق شهروندان آینده را نیز در بر می‌گیرد. حکومت‌ها باید بدانند، دموکراسی بدون تحقق حقوق زنان امکان‌پذیر نیست زیرا بر حقوق بشر استوار است. «حقوق بشر حقوق زنان». (توسلی، مهر ۱۳۸۴). اگر به کشورهای عربی بنگریم، به شدت موانع فرهنگی گذرناپذیری را در برابر مدرن‌سازی مشاهده می‌کنیم. (فوکویاما، ۱۳۸۳: ۱۰۷) زن در این کشورها در مرحله گذار از سنت به مدرنیسم قرار دارد و تلاش می‌کند خود را از تفکرات قبیله‌ای گذشته برهاند. (الکتبی، ۱۳۸۳، ۱۵۱) در راستای دموکراتیزه کردن کشورهای جنوب و کشورهای خاورمیانه، زنان در اولویت‌اند. عدم برخورداری زنان از حقوق شهروندی، در اکثر این کشورها سردمداران دموکراسی را واداشته تا توجه خویش را به حقوق زنان با عنوان حقوق بشر زنان در طرح «خاورمیانه بزرگ» معطوف دارند، و شرایط متفاوت با وضعیت موجود را ترسیم کنند.

رسانه و زنان در جهان اسلام

رسانه‌ها در انتقال جنبش‌ها تأثیر گذارند. از آنجا که رسانه‌ها در ایجاد تعامل میان ملت‌ها، نقش واسطه‌گری ایفا می‌کنند و از طرفی مردم مسلمان منطقه، فرهنگ، تاریخ و ساختارهای معنایی مشترکی دارند. لذا موج بیداری اسلامی به سرعت از طریق رسانه‌ها و امواج گسترش یافته است چرا که مبارزه با حکومت‌های دیکتاتور، اسلام‌خواهی و عدم وابستگی دولت‌ها به بیگانگان و برپایی حکومت‌های مردمی، خواست مشترک مردم کشورهایایی است که سال‌ها تحت سلطه حاکمان مستبد و وابسته بوده‌اند.

تمدن مانند دولت منبع هویت می‌باشند اما از این جهت با دولت‌ها متفاوتند که دارای مرزهای روشنی نیستند. جغرافیای انسان، فضا و عرصه‌هایی است که همه در زیر چتر آن در هم فرو رفته‌اند و براساس آن، انسان به تعرف هویت خود و دیگران می‌پردازد و سرنوشت و تاریخ خویش را روایت و آرمان شهرش را ترسیم می‌کند. (تاجیک، ۱۳۷۹، ۲۲۷-۲۲۹) لذا تمدن اسلامی دارای هویتی فراتر از مرزهای سرزمینی است. مرزهایی که در قرن اخیر بر ملل اسلامی تحمیل شده است. ایکسون و راوی، باتوجه به رابطه تنگاتنگ فرهنگ، هویت و ارتباطات، مناسب‌ترین دیدگاه را در مورد هویت فرهنگی - ملی برای مطالعات بین‌المللی ارائه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند فرهنگ، تصویری است که هر کشور از خود می‌سازد و برای دیگران نمایش می‌دهد. شیوه نمایش بنا بر فناوری‌ها و رسانه‌های در دسترس متفاوت است و می‌تواند شامل تئاتر، سینما، تلویزیون، رمان، موسیقی و ... باشد. مهم آن است که یک ملت چگونه به بیان آرزوها، آرمان‌ها و امیدهای خود می‌پردازد یا از گذشته و آینده خود سخن می‌گوید. (محمدی‌زاده، ۱۳۹۱، ۷۲)

به این ترتیب، هویت هر کشور نیز در شیوه دستاوردهای مردم آن متجلی می‌شود نه در تعریف‌هایی که از سوی حکومت‌ها یا آوازه‌گران بین‌المللی ارائه می‌گردد. هویت، فرآورده فرایندهاست نه تعریف‌ها. براساس این دیدگاه است که هویت فرهنگی به هر ملت امکان می‌دهد که خود را با ملت‌های دیگر نه از لحاظ ثروت بلکه از نظر شأن و منزلت، برابر یا حداقل قابل مقایسه احساس کند. (آشنا، ۲۳۸، ۱۳۸۳)

تأثیر رسانه‌های غربی بر زنان کشورهای عربی و مسلمان

با توجه به ظهور رسانه‌های جدید نظیر فیس بوک، توئیتر، یوتیوب و سایت‌های دیگر و گسترش استفاده از این رسانه‌ها در میان دختران و زنان عرب، این ابزارها به صورت مستقیم و غیر مستقیم روی زندگی آن‌ها تأثیرگذار بوده است. برای مثال؛ تجربه عروسک‌های باربی که کودکان با استفاده از اینترنت می‌توانند آرایش عروسک خود را تغییر دهند، مدل موی او را عوض کنند یا با استفاده از موزیکی که روی آن وجود دارد، رقص آن را عوض کنند. به این ترتیب دختران عرب تحت تأثیر فرهنگ و ایدئولوژی غربی قرار می‌گیرند که از اصل زندگی آن‌ها به دور است. (حبا مراد، ۱۳۹۱، ۱۲۷) و سایت‌ها و یوتیوب‌هایی که برضد حجاب به راه افتاده و بسیاری از اصول اسلام را به تمسخر گرفته است و ایجاد مجله‌های اینترنتی درباره مسائل زیبایی که ایده‌های غلط مادی‌گرایانه و جنسی را ترویج می‌کند. (پیشین، ۱۲۸) زنان مسلمان نیز از طریق ابزارهای اطلاعاتی جدید مورد هدف قرار گرفتند و ابزارهای مختلف نظیر اتاق‌های گفتگو سازمان‌های، اتحادیه‌ها، کتاب‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، مجلات و کارگروه‌های روی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این زمینه تلاش می‌شود، ایده‌ها و ایده‌آل‌های اسلامی نظیر حجاب، باورهای اسلامی، عفت و ... تحت تأثیر قرار بگیرد و زنان مسلمان در معرض مستقیم این حملات دشمنان اسلام قرار بگیرند. (حبا مراد، ۱۳۹۱، ۱۲۹) در بین اهداف عمده دستگاه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا، آشکارترین و صریح‌ترین هدفی که نقش زنان و تأثیرگذاری آن‌ها را می‌طلبد و به یاری می‌گیرد «معرفی القای سبک زندگی آمریکایی» از طریق رسانه است. مفهوم "سبک زندگی" و شاخصه‌های معروف و مشهور آن از قبیل "مدیریت بدن" و "مصرف‌گرایی" و "نوع ارتباطات اجتماعی" تجلیات مبرهن و مشخص خود را به‌خصوص میان بانوان در معرض نمایش گذارده است. پرداختن به مقوله زیبایی و آرایش، جراحی‌های زیبایی، مدگرایی، تجمل‌طلبی و ارتباطات سبک مدرن، بیشترین نمایش و بروز و ظهور را در میان جنس زن به دلیل ظرافت‌ها و قابلیت‌های خاص جسمی و جنسی خود داشته است. لذا جنس زن و سوء بهره‌برداری از خصایص جسمی و جنسی زنان بیشترین کمک را به ترویج سبک زندگی آمریکایی و ترویج فرهنگ غرب به‌عنوان تنها راه و روش زندگی بشری امروز نموده است. (باقری، ۱۳۹۱، ۹۴) باتوجه به زنان به‌عنوان گروه هدف و مخاطبین ویژه در دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا از اهداف این دستگاه دیپلماسی

جدا نیست. حمایت از منافع ملی و امنیت ملی آمریکا به عنوان هدف دستگاه دیپلماسی آمریکا، این گروه هدف را در دو رویکرد فاعلی و مفعولی همواره مورد توجه خاص خود قرار داده است. انتخاب زنان چه در مقام مجریان دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا و چه به عنوان مخاطبین این دستگاه، دلالت بر اهمیت مرکزی این گروه برای تأمین اهداف و مطامع آمریکا دارد. آژانس اطلاعاتی بین‌المللی آمریکا، دیپلماسی عمومی را صدای سیاست خارجی آمریکا می‌داند. با این دیدگاه باید گفت؛ سال‌هاست صدای سیاست خارجی آمریکا از حلقوم زنان مجری این دستگاه بیرون می‌آید. انتخاب زنان در مقام وزیر امور خارجه به‌طور جدی مورد توجه دموکرات‌ها و نیز جمهوری‌خواهان در آمریکا بوده است و انتخاب خانم "کاندولیزا رایس" و "هیلاری کلینتون" هم در همین راستا قابل درک است. انتخاب خانم شارلوت بیرز در مقام معاون امور خارجه آمریکا در دیپلماسی عمومی، دلالت دیگری از اهمیت این "گروه هدف" را نشان می‌دهد. انتصاب خانم شارلوت بیرز، مسئول امور تبلیغاتی سابق با بیش از ۴۰ سال تجربه در امور بازاریابی و تجارت یک ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر به سمت مسئول دیپلماسی عمومی آمریکا صورت می‌گیرد. پس از خانم شارلوت بیرز، خانم مارگارت تاتولیر، سفیر سابق ایالات متحده در مقدونیه و کارمند با سابقه دستگاه اجرایی بوش، جایگزین وی شد. (بیشین، ۸۷)

توجه به زنان در "رویکرد فاعلی" از زمین کشور ایالات متحده و به عنوان مجریان دستگاه دیپلماسی عمومی و افکار عمومی در سطوح مختلف حکایت می‌کند و در رویکرد "مفعولی" از زمین سایر کشورها به یارگیری می‌پردازد. به عبارت دیگر؛ در رویکرد مفعولی دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا به انتقال افکار و ارزش‌های آمریکایی برای تحت تأثیر و استیلا قرار دادن زنان سایر کشورها می‌پردازد. اهمیت نقش مرکزی و کانونی زنان در خانواده و جامعه، رسانه خوبی از این گروه هدف برای انتقال ارزش‌های آمریکایی به سایر اقشار جامعه ساخته و پرداخته است؛ گویی قدرت نرم برای تحقق حاکمیت خویش به "جنس نرم" به شدت محتاج است. (باقری، ۱۳۹۱، ۸۸)

غرب در پی تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه‌ها و عملکرد زنان عرب از طریق رسانه می‌باشد و سعی دارد با از میان بردن هویت ملی و دینی به غربی‌سازی زنان عرب بپردازد، شاهد این گفتار طرح Techwomen که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا، در سال ۲۰۱۰ یعنی دقیقاً در آغاز شکل‌گیری نهضت‌گیری، نهضت بیداری اسلامی را مطرح کرد. در این طرح، شرکت‌های پیشرو در زمینه فناوری در آمریکا از جمله؛ گوگل، هیسبوک، سیسکو، مایکروسافت، آی بی ام، یا هو، شرکت هیولت، پاکارد، کاتا پولت، دیزاین و بیسیک کنسرسیون نوآوری و علوم و کنسرسیون متشکل از بیش از بیست موسسه همچون لابراتورهای ملی، لارنسلیورمور، اس آر آی اینترناشنال، اجیانت تکنولوژی، سیمان‌تک و لابراتورهای سندیا متعدد بودند در آن حضور داشته باشند. طبق نظر اداره امور فرهنگی و آموزشی هدف یک آموزش هفته‌ای در چارچوب

مربیگری حرفه‌ای مبتنی بر پروژه‌ای با مدیریت شرکت‌های فناوری و با حضور زنان فعال منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در این حوزه بود. واجدین شرایط این طرح؛ زنان بیست و پنج تا چهل و دو ساله کشورهای الجزایر، مصر، اردن، لبنان، مراکش، نوار باختری و غزه بودند. لازم به ذکر است که مؤسسه آموزش بین‌المللی با همکاری موسسه آیتا بورگ، این طرح را برای زنان اجرا کرد. (بنایی، ۱۳۹۱، ۳۱۶-۳۱۵) البته شایان ذکر است که آغاز جریان بیداری اسلامی و حضور چشمگیر زنان و صد البته پیشرو بودن آن‌ها در اتفاقات باعث می‌شود فضای مجازی به سمت و سویی دیگر و با نگاهی ویژه‌تر برای تغییر افکار گام برمی‌دارد. این فضای مجازی که در حال حاضر بخش مهمی از آن را شبکه‌های اجتماعی وبلاگ‌ها تشکیل می‌دهند؛ مانند چاقوی دو لبه‌ای است که هردو جبهه مبارزه به نفع خود از آن بهره می‌برند. و زنان بیدار و هوشیار در تحولات اخیر تلاش کردند از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها در جهت اهداف انقلابی خود استفاده کنند که به‌طور مفصل در فصل‌های چهار و پنج به آن خواهیم پرداخت.

اینترنت و زنان در کشورهای اسلامی

در نشست گروه «جنسیت و اطلاعات» وابسته به «مرکز بین‌المللی تحقیقات توسعه» در سال ۱۹۹۷ اعضا به این نتیجه رسیدند که «زنان از اکثر منافع و مزایای انقلاب ارتباطی بی‌بهره مانده‌اند.» اما اکنون بعد از گذشت حدود ۱۵ سال از این نشست، تحولات چشمگیری در این زمینه رخ داده و در آمریکا و بخش‌هایی از اروپا و چین، زنان در استفاده از اینترنت حتی از مردان نیز پیشی گرفته‌اند، هرچند تحقیقات نشان می‌دهد که در دنیای عرب هنوز بیشتر زنان از تأثیرات مثبت انقلاب اینترنتی بی‌بهره مانده‌اند. این بدان معناست که در این کشورها، زنان نتوانسته‌اند از فرصت‌هایی مانند فعالیت‌های شبکه‌های پیشرفت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، دستیابی به اطلاعات و دانش جهانی و تحولات دموکراتیک و مدنی که همگی به‌واسطه اینترنت محقق می‌شود، برخوردار شوند. از این لحاظ به نظر می‌رسد که میان زنان عرب و زنان سایر جهان، شکافی عمیق وجود دارد. در این کشورها، نه تنها زنان درصد پایینی از بهره‌وران اینترنتی را تشکیل می‌دهند، بلکه در مجموع سرعت گسترش ارتباطات اینترنتی کمتر از سایر مناطق جهان بوده است و این مسأله، با توجه به اینکه اینترنت هر روز به شاخص پررنگ‌تری برای توسعه انسانی و عامل مهم‌تری در توسعه اقتصادی تبدیل می‌شود، فاصله این کشورها را با سایر جهان افزایش داده است.

ساختن جامعه‌ای اینترنتی در دنیای عرب را می‌توان به‌عنوان راه حلی برای غلبه بر انواع محرومیت‌ها و فقر زنان عرب دانست. هم‌اکنون بیشترین محرومیتی که این کشورها از آن رنج می‌برند، فقر توانایی‌ها و فقر فرصت‌هاست. در «گزارش توسعه انسانی کشورهای عرب» در سال ۲۰۰۲ آمده است که دسترسی زنان به استفاده برابر و آسان به تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی

می‌تواند، آهنگ سیر کلی جامعه به سمت توسعه و پیشرفت را تسریع بخشد. به همین دلیل، پروژه توسعه سازمان ملل (UNDP)، بعد از زدودن فقر و خشونت، دسترسی به تکنولوژی ارتباطی را سومین عامل تأثیرگذار در بهبود وضعیت زنان در سراسر جهان دانسته است.

به واسطه تکنولوژی ارتباطی زنان عرب توانسته‌اند از حقوقی که زنان در سایر کشورها از آن برخوردارند، اطلاع یابند و با آن‌ها ارتباط شبکه‌ای برقرار کنند. همچنین، توانایی اینترنتی توانسته به زنان عرب قدرت بیشتری در رقابت با مردان در بازار کار بدهد. در عرصه خصوصی، تکنولوژی ارتباطی سبب شده که زنان بتوانند با دوستان و آشنایان یا سایر اعضای خانواده خویش در خارج، ارتباطشان را حفظ کنند. هم‌اکنون در بیشتر کشورهای عربی، زنانی دارای تحصیلات دانشگاهی یا صاحبان تخصص و یا به عبارتی زنان نخبه آن کشورها برای کارهای تحقیقاتی یا ارتباط‌های شغلی از اینترنت استفاده می‌کنند. در واقع می‌توان گفت؛ انقلاب رسانه‌ای زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی در کشورهای عربی گردیده است. در دهکده‌ای که صداها و تصاویر از فواصل دور و از طریق رسانه‌های الکترونیکی و چاپی، می‌توانند به‌عنوان ابزار قدرتمند جنگ روانی و تبلیغاتی عمل کنند. زنان نیز به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به درک و فهم خاصی از مکان‌ها، افکار، رفتار، انتظارات، علایق و بیزاری‌های زنان دیگر دست می‌یابند و با کسب مهارت‌های خواندن و نوشتن، دسترسی به رایانه و شبکه جهانی اینترنت، به‌عنوان مشارکت‌کنندگان بلافاصله و نه فقط مشاهده‌گر جامعه جهانی با میلیون‌ها انسان دیگر در سراسر گیتی به مراد می‌پردازند.

تأثیر جهانی شدن بر اشتغال زنان جهان اسلام

والنتین مقدم، مدیر مرکز مطالعات زنان و دانشیار جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی ایلینوی در مقاله «جهانی شدن و زنان در خاورمیانه» شرحی کلی از اینکه چگونه زنان خاورمیانه از جهانی شدن در ابعاد گوناگون آن تأثیر پذیرفته‌اند، ارائه می‌دهد. وی به تناقض‌های موجود در آثار جهانی اشاره می‌کند و برای نمونه؛ دولت توسعه‌گرا را دارای پیامدهای منفی برای زنان در نظر می‌گیرد، در حالی که وی جهانی شدن مفاهیم و گفتمان‌های حقوق بشر و حقوق زنان را موجب ایجاد فضای رشد برای سازمان‌های زنان در سطح ملی و جهانی تلقی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که در نهایت نیروی جهانی شدن، شکل‌گیری توده‌ای حیاتی از زنان فعال از لحاظ سیاسی را شتاب خواهد بخشید. سال‌هاست، موضوع زنان به‌عنوان یکی از موضوعات جهانی در کنار فقر، محیط زیست و جمعیت قرار گرفته است. در این راستا، نشست‌های گروه‌های زنان در سطوح دولتی و غیردولتی از دهه ۱۹۹۰ تقریباً همه‌ساله در کنار جلسات سازمان ملل برگزار می‌شود. در جوامع اسلامی، اشتغال زنان و پیامدهای اجتماعی، خانوادگی و فردی آن از دو منظر مختلف مورد تفسیر، تحلیل و ارزش‌گذاری قرار گرفته است و این تفاسیر خود مانعی برای سیاست‌گذاری‌های روشن در خصوص اشتغال زنان می‌باشد. همچنان که در بحث‌های جهانی شدن،

اشتغال و همبستگی‌های جنسیتی مورد تأکید قرار گرفت. این دیدگاه‌های محلی با تسریع فرآیند جهانی شدن و گسترش فعالیت‌های حمایت از حقوق و پیشرفت زنان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات زیادی پذیرفته‌اند. در جوامع و کشورهای اسلامی، دیدگاه‌های موجود درخصوص اشتغال زنان به صورت یک طیف با دو قطب مخالف در دو سر آن می‌باشد. (داداندیش، ۱۳۸۵، ۲۴۶) دیدگاه زن محور: این دیدگاه، تاریخ را مملو از ظلم و بهره‌کشی توسط پدر، همسر، جامعه مردم‌سالار تصور می‌کند. لذا رسالت اصلی معتقدین این دیدگاه استفاده از هر وسیله‌ای برای خروج زنان از زیر بار ظلم و تبعیض حاکم بر آن‌ها می‌باشد. از این منظر، اشتغال زن در خارج از خانه یکی از راه‌های کسب استقلال مالی و منزلت اجتماعی است. طرفداران این دیدگاه معتقدند؛ زنان آزاد و مختار هستند. این دیدگاه یکی از موانع تحقق اهداف خود را سنت، آداب و رسوم و برداشت غلط از مذهب می‌داند و اصالت را به فرد می‌دهد. (داداندیش، ۱۳۸۵، ۲۴۸)

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های مهم تحولات در کشورهای مصر، حاکم بودن روحی جمعی با خواسته‌ای مشترک در اعتراضات و قیام مردمی بود. اما با توجه به حضور پرشور و مثبت زنان در انقلاب به بررسی و تحلیل فعالیت زنان در تحولات اخیر پرداخته‌ایم، در ابتدا دلایل حضور زنان در انقلاب را بیان کردیم که شامل؛ ۱- مشکلات افزایش جمعیت ۲- مشکلات اقتصادی ۳- بحران‌های اجتماعی ۴- آزا و اذیت زنان ۵- کم‌رنگ بودن حقوق و قوانین مربوط به زنان اما این مشکلات در دیگر کشورهای عربی نیز وجود دارد. اینکه چرا در کشورهایی مثل مصر و تونس انقلاب صورت می‌گیرد را در زمینه‌های انقلاب مطرح می‌شود که شامل: ۱- پیشینه فرهنگی و سطح بالای فرهنگ زنان مصر ۲- بافت اجتماعی کشور که زمینه حضور زنان و حتی اقلیت‌های مذهبی را دارد ۳- افزایش سطح سواد زنان و روند رو به رشد شهرنشینی در کشورهای عربی، تأثیر این دو در طرز تفکر و تعاملات اجتماعی زنان ۵- توسعه و گسترش رسانه‌های ارتباطی بویژه ماهواره و اینترنت و افزایش مطالبات زنان از دولت.

زنان به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم در عرصه مختلف انقلاب نقش داشتند: ۱- مشارکت فرهنگی: زن مصری با فرهنگ‌سازی و استحکام بخشیدن به سنگر خانواده کمک شایانی به انقلاب نموده و زنان مصری حتی زمانیکه در خانه‌های خود نشسته‌اند، با تربیت فرزندان مبارز و شهادت طلب و نگهداری از کودکان، مبارزین و زندانیان سیاسی و همینطور دمیدن روحیه مبارزه، ایثار و تقویت میهن‌پرستی در آن‌ها، آتش انقلاب را روز به روز مشتعل‌تر و گرم‌تر نگه داشتند. ۲- مشارکت اجتماعی: برگزاری برنامه‌هایی انقلابی در اماکن مقدس، سخنرانی، تشکیل جلسات پرسش و پاسخ با حضور تأثیرگذار زنان و همینطور فعالیت گسترده زنان هنرمند در عرصه‌های مختلف شعر، نمایش، نقاشی و عکاسی شایان ذکر است. ۳- مشارکت اقتصادی: از

آنجا که مصر قبل از انقلاب مشکلات اقتصادی فراوانی داشت، جنبش اخیر نیز تبعات منفی اقتصادی را برای خانواده‌ها بخصوص زنان به دنبال داشت. زنان سعی کردند با مدیریت بحران‌های مالی، مانع از خاموش شدن انقلاب شوند اقدام‌هایی از قبیل؛ جمع‌آوری دارو، غذا و آب برای تحصن‌کنندگان در میدان التحریری، پشتیبانی مالی از خانواده‌های شهدا و زندانیان با جمع‌آوری کمک‌های جنسی، نقدی و توزیع آن‌ها میان خانواده‌های آن‌ها و صرفه‌جویی در مصارف روزانه و ... ۴- مشارکت سیاسی: با حضور در تظاهرات، راهپیمایی‌های سازمان‌یافته یا خودجوش، عضویت در تشکل‌های سیاسی؛ عضویت در احزاب، تلاش برای عضویت در پارلمان و شورای تدوین قانون اساسی ۵- نظامی: زنان مبارز به دنبال مبارزه به دور از جنگ و خونریزی بودند. آن‌ها سعی می‌کردند، اعتراضاتشان را بیشتر در قالب تظاهرات و به صورت مسالمت‌آمیز بیان کنند. اما با این وجود؛ در بسیاری از مواقع به ضرب و شتم و تیراندازی از سوی نظامیان می‌انجامید که باعث زندانی و شکنجه شدن، مجروح و شهید شدن زنان می‌گردید.

زنان در انتخابات ریاست جمهوری مصر، حضور فعال داشته و حتی یک زن به نام بشیه کامل قصد نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری را داشت که به دلایلی منصرف شد. در نهایت محمد مرسی به عنوان رئیس جمهور مصر انتخاب شد. او در تبلیغات انتخاباتی خود به برابری حقوق زن و مرد اشاره نموده و وعده اعطای یکی از معاونت‌ها را به زنان داده بود که بعد از انتخابات به آن عمل کرد و هم‌اکنون دو نفر از کابینه سی و پنج نفره زن می‌باشند. و با نام "نادیه زخاری" وزیر تحقیقات علمی و "نجوی خلیل"، وزیر بیمه و امور اجتماعی و در میان ۱۷ مشاور مرسی ۲ زن حضور داشتند. به طور کلی انقلاب، دستاوردهایی برای زنان داشت. شامل: ۱- الگو برای سایر کشورها ۲- تغییر نگرش نسبت به زنان عرب ۳- بازسازی هویت دینی برای زنان عرب ۴- کم‌رنگ شدن مرزهای مذهبی و طبقاتی و جنسیتی ۵- توجه ویژه تمامی کشورها به نقش زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی ۶- فراهم شدن زمینه حضور زنان در عرصه‌های مختلف به خصوص در کشورهای عربی مانند عربستان ۷- آزادی پوشش: در دوران حکومت حسنی مبارک، مقرراتی غیر رسمی علیه پوشاندن موی سر برای بعضی مشاغل مانند مجریان تلویزیون، مهمان‌داران هواپیما و وجود داشت. این رویکرد که برگرفته از وجود رژیم‌های دیکتاتوری، طرفدار غرب بود. با قدرت یافتن اسلام‌گرایان از میان رفت و با آزادی پوشش برای زنان فرصت بازگشت به هویت اسلامی و عربی را فراهم نمود.

اما آنچه باعث نگرانی زنان بعد از انقلاب شد، شامل موارد زیر می‌باشد: ۱- با توجه به نقش زنان در انقلاب، زنان در کمیته اصلاح قانون اساسی حضور نداشتند. ۲- اصلاحات قانونی که زنان در طول دهه گذشته با تلاش بسیار از آن برخوردار شدند. مانند: قانون خلع، حق درخواست طلاق از سوی زنان و نیز اولویت حضانت مادر به بهانه اینکه قوانین، شریعت اسلامی را نقض می‌کند و یک مدل غربی است. به خصوص اینکه به عنوان «قوانین سوزان» شناخته شده بود، رد شدند. ۳-

کمیته سهمیه‌بندی جنسیتی در انتخابات پارلمان که در زمان مبارک تصویب شده بود (سهمیه ۳۰ درصدی) که باعث شد در انتخابات پارلمان سال ۲۰۱۰، ۶۴ صندلی مجلس عوام به زنان اختصاص یابد و ۴۰۴ نفر به عنوان کاندیدا ثبت نام نمایند، بعد از انقلاب حذف شد. ۴- به علت اعتراضات گسترده زنان به حذف سهمیه‌بندی، قرار شد هر حزب حداقل یک زن را در لیست‌های انتخاباتی خود بگنجانند که احزاب سیاسی، اسامی زنان را در پائین لیست خود ذکر کردند و بسیاری از احزاب هم به آن عمل نکردند. به طوری که «اتحاد مستمر انقلاب» (سکولار) ۱۶ درصد، حزب لیبرال «الوفد» ۱۳۰۷ درصد، اخوان المسلمین ۱۳۰۶ درصد، حزب «سلفی نور» ۱۳۰۲ درصد و تنها حزب «سوسیالیست آزاد» ۲۵ درصد زنان را وارد لیست خود کردند.

از ویژگی‌های مهم تحولات در کشورهای مصر، حاکم بودن روحی جمعی با خواسته‌ای مشترک در اعتراضات و قیام مردمی بود. اما با توجه به حضور پرشور و مثبت زنان در انقلاب به بررسی و تحلیل فعالیت زنان در تحولات اخیر پرداخته‌ایم. در ابتدا دلایل حضور زنان در انقلاب را بیان کردیم که شامل؛ ۱- مشکلات افزایش جمعیت ۲- مشکلات اقتصادی ۳- بحران‌های اجتماعی ۴- آزا و اذیت زنان ۵- کم‌رنگ بودن حقوق و قوانین مربوط به زنان ۵- پیشینه فرهنگی و سطح بالای فرهنگ زنان مصر ۶- بافت اجتماعی کشور که زمینه حضور زنان و حتی اقلیت‌های مذهبی را دارد. ۷- افزایش سطح سواد زنان و روند رو به رشد شهرنشینی در کشورهای عربی، تأثیر این دو در طرز تفکر و تعاملات اجتماعی زنان ۸- توسعه و گسترش رسانه‌های ارتباطی بویژه ماهواره و اینترنت، و افزایش مطالبات زنان از دولت.

رویکردهای مختلفی به حضور زنان در انقلاب مصر وجود دارد:

۱- رویکرد رسانه‌ای: یکی از ویژگی‌ها در اعتراضات مردمی مصر این است که واکنش‌ها و اعتراضات مردمی توسط یا به دعوت هیچ‌یک از احزاب و گروه‌های مهم رسمی و غیررسمی صورت نگرفته است. مثلاً تظاهرات روز سه‌شنبه ۲۵ ژانویه، روز خشم در مصر بنا به دعوت دختران و پسران جوان از طریق موبایل، اینترنت و ... انجام شد که دلیل این امر را به غیر از سرخوردگی مردم مصری از توانایی و قابلیت‌های احزاب و گروه‌های موجود، شاید بتوان به افزایش دسترسی مردم بویژه زنان به شبکه‌های جدید ارتباطی دانست. زنان قبل، حین و بعد از انقلاب، از رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی و آگاهی به مردم بهترین بهره را می‌بردند. آن‌ها با برنامه‌ریزی برای زمان و مکان تحصن‌ها و مشخص کردن شعارها، زمان‌بندی برای سخنرانی‌ها و اطلاع‌رسانی آن‌ها از طریق اینترنت، فیس‌بوک و توییتر توانستند در فضای مجازی که مرزهای جنسیتی وجود ندارد و به دور از تعصب‌های جامعه مردسالار و سانسورهای دولتی به فعالیت بپردازند و در این زمینه بسیار خوش درخشیدند. البته برخی از تحلیل‌گران غربی با بزرگ جلوه دادن اهمیت شبکه‌های اجتماعی، نقش و اراده مردم را نادیده گرفتند اما واقعیت این است آنچه وداع مبارک را باعث شد تنها و تنها فیس‌بوک و بیانیه‌ای منتشر شده بر روی آن نبود. بلکه

مسائل و مشکلات اقتصادی اجتماعی و سیاسی موجود، زمینه‌ای را فراهم کرده بود که در آن رسانه‌ها بتوانند نقش اول را در تشویق و هدایت مردم در تظاهرات بازی کنند.

۲- رویکرد اسلام‌خواهی: برخی از کارشناسان معتقد به رویکرد اسلام‌خواهی در انقلاب مصر بوده و دلایل زیر را در این خصوص مطرح می‌نمایند ۱- وجود زمینه‌های مذهبی و دینی در زنان مصری و پررنگ شدن نمادهای اسلامی همچون برگزاری نماز جماعت، شهادت طلبی ۲- مخالفت با دخالت قدرت‌های غربی و دشمنی عمیق با رژیم صهیونیستی ۳- انتخاب نمودن نامزدهای اسلامی در انتخابات مجلس و پیروزی کاندیدای اسلام‌گرا در انتخابات ریاست جمهوری ۴- استفاده از حجاب زنان مصری که مبارزه آن‌ها را به نمادی از فرهنگ اسلامی تبدیل نمود، البته کسانی همچون دکتر آصف بیات با رویکرد اسلام‌خواهی مخالف و معتقدند؛ متدین بودن افراد ضرورتاً به معنی اسلام‌گرایی یا سیاسی کردن اسلام نیست. یعنی برای آن‌ها یک مسأله شخصی است. بنابراین سر دادن شعار الله‌اکبر ضرورتاً به معنی اسلام‌گرایی نیست. یا خواندن نماز جماعت برای اعراب، مسأله‌ای عادی است و بخشی از فرهنگ آن‌ها به شمار می‌رود و یک هنجار است. در نهایت از بررسی دو دیدگاه موافق و مخالف اسلام‌خواهی شاید بتوان گفت؛ زنان مصری خواهان بازگشت و احیای مجدد هویت دینی خود هستند که فقط منحصر به هویت اسلامی نمی‌شود. در انقلاب، منافع جمعی بالاتر از منافع فردی بود و مردان و زنان، پیران و جوانان، مسیحیان و مسلمانان، محجبه و بی‌حجاب و نقاب‌دار با حمایت از یکدیگر به مبارزه برای احقاق حق برخاستند و این‌ها ویژگی‌های رویکردی ارزشی، معنوی و در واقع رویکرد دینی است.

۳- رویکرد فمینیستی: زنان فمینیسم نیز در انقلاب حضوری فعال داشتند آن‌ها با حضور در میدان التحریر و سخنرانی و انتشار بیانیه به دنبال تغییر مثبت برای کسب حقوق بیشتر زنان بودند. البته حضور آن‌ها حرکتی جداگانه برای منافع بخصوصی نبود. بلکه در راستای اهداف کل جامعه اعم از؛ دموکراسی‌خواهی، آزادی، رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌نمودند.

۴- رویکرد دموکراسی‌خواهی: با آنکه زنان مصری حق شرکت در انتخابات را دارند و قوانین مربوط به حقوق زنان هرچند اندک وجود دارد اما ضمانت اجرایی ندارد. در کشوری که برای مردانش آزادی بیان و اندیشه وجود ندارد، برای زنان که شهروند درجه دوم محسوب می‌شوند مسلماً آزادی بیان و دموکراسی بی‌معنی است و یکی از مطالبات مردم به‌خصوص زنان، دموکراسی است. البته نه دموکراسی غربی که به دنبال مسائلی همچون حذف حجاب در کشورهای عربی است بلکه دموکراسی از نوع عربی و اسلامی. دموکراسی که آزادی بیان و اندیشه در قالب احکام و شرع اسلام آن هم نه اسلام سلفی، وهابی و یا اخوانی بلکه اسلام ناب محمدی را به آن‌ها عرضه کند.

کتابنامه

الف - کتب

۱. آیت‌الهی، زهرا (۱۳۸۰)، زن، دین، سیاست، تهران: نشر سفید صبح.
۲. احمدی جلفایی، حمید (۱۳۸۴) احکام حجاب و عفاف، قم: زائر
۳. افضلی، رسول (۱۳۷۹) چشم‌انداز جامعه مدنی در خاورمیانه، تهران: بشیر علم و ادب
۴. امیدوار، زهرا (۱۳۵۹) زنان عرب، تهران: انتشارات روزبهان
۵. بخشی، احمد (۱۳۷۹) زنان در اجتماع چه جایگاهی دارند؟ همایش اسلام و فمینیسم، مشهد: دانشگاه فردوسی
۶. پاملا، آبوت و والاس، کلر (۱۳۷۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی، تهران: دنیای مادر.
۷. تقی زاده، حسن (۱۳۷۹) تاریخ عربستان و قوم عرب. به کوشش عزیزالله علیزاد، تهران: فردوس.
۸. تیمونی، سیسک (۱۳۷۹) اسلام و دموکراسی: دین، سیاست و قدرت در خاورمیانه، ترجمه شعبانعلی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: نشر نی
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) زن در آینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء.
۱۰. حسن خانی، محمد (۱۳۸۵) ادیان و رسانه در خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۱. شادلو، شیده (۱۳۷۷)، سیمای زن در جهان مصر، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران: برگ زیتون.
۱۲. شولت، یان آرت، (۱۳۸۲)، جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. عبدالرحمن، محمدبن خلدون (۱۳۶۶) تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۴. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۳۸۳)، دنیای زن؛ گفتگو با علامه سید محمد حسین فضل‌الله، تهران: ترجمه و چاپ دفتر پژوهش و نشر سهروردی
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصراطلاعات، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۱۶. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۱)، جنسیت و مشارکت، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، چ اول.
۱۷. مولر آکین، سوزان (۱۳۸۳) زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ترجمه نادر نوری‌زاده، تهران: انتشارات قصیده‌سرا، روشنفکران و مطالعات زنان
۱۸. مهریزی، مهدی (۱۳۸۱)، زن در اندیشه اسلامی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. هالیدی، فرد (۱۳۶۰) عربستان بی‌سلاطین، ترجمه بهرام افراسیابی، تهران: چاپ سپهر

۲۰. وارناک فرنی، الیزابت و باسمه قطان بازرگان (۱۳۸۱) زنان خاورمیانه سخن می‌گویند، ترجمه منیژه شیخ جواد (بهزاد)، تهران: انتشارات پیکان.

ب- مقالات

۲۱. ابتسام، سهیل الکتبی، فصلنامه ریحانه (۱۳۸۳)، موقعیت زن در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، شماره ۶.

۲۲. ابوالغیظ، حنان، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، (۹۱/۴/۱۲) مصاحبه با خانم حنان ابوالغیظ عضو مجلس ملی از حزب وفد مصر؛ کدخبر ۱۳۹۱۰۴۱۲۰۰۰۴۲

۲۳. اخوان المسلمین مصر مشکلی با زنان ندارد، شبکه خبری العالم، (۹۱/۳/۲۰)

۲۴. آشنا، حسام‌الدین، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۸۳) " فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی " شماره ۲۱

۲۵. اعتضادالسلطنه، نوژن روزنامه روزگار، (۹۰/۱۱/۱۰) آیا بهار عربی به زمستان زنان خواهد انجامید

۲۶. العارف عبدالله. هنا. کنفرانس بیداری اسلامی (۲۰۱۲) مقالات برتر کنفرانس بیداری اسلامی. نقش زنان در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱.

۲۷. الفقیر فادیه و نجار، ماجد فصلنامه مطالعات خاورمیانه، (۱۳۸۲) زنان دموکرات بدون دموکراسی؟ (زنان، دموکراسی و شهروندی اردن)، سال دهم، شماره ۳.

۲۸. المیلاد، زکی، پیام‌زن، (۱۳۸۱) اندیشه‌های معاصر عرب و نواندیشی در مسایل زنان، ترجمه عبدالله امینی، شماره ۱۲۲

۲۹. امامی، محمدعلی، فصلنامه سیاست خارجی، (پاییز ۱۳۷۹)، «سنت، نوگرایی و مشروعیت در کشورهای عرب خلیج فارس»، سال چهاردهم، شماره ۳

۳۰. بزرگ‌زاده، مهدی وزروندی، مهدی، فصلنامه زنان (۱۳۸۴)، بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه، سال اول، شماره ۱.

۳۱. پزشکی، محمد، کتاب زن، (۱۳۸۴)، «صورت‌بندی مطالعات فکری دفاع از حقوق زن در جهان عرب» شماره ۲۹.

۳۲. پور احمدی، حسین و یاری، یاسمن (۱۳۸۸)، جنبش زنان مصر و حق مشارکت سیاسی، مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۱.

۳۳. پیشگاهی فرد، زهرا و امیدی، مریم، مجله ژئوپلتیک، (۱۳۸۴)، دموکراسی در خاورمیانه و فرصت‌های فراروی زنان، زمستان

۳۴. تظاهرات زنان مصری ضد شورشی نظام، قناه العالم العربیه (۹۰/۱۰/۱)،
<http://cpfa.alalam.ir/news/270124>

۳۵. جمشیدی، مریم، سایت صد خبر (۹۱/۴/۳۱) مصاحبه با غاده حسن، (دانشجوی دکتری رشته اقتصاد و توسعه در کشور مصر و شرکت کننده در کنفرانس زنان و بیداری اسلامی در ایران)، کدخبر: ۴۰۲۸۷
۳۶. خوارزمی، زهره، پایگاه تحلیل خبری خانواده و زن (۹۱/۶/۱۸)، هنر و ادبیات انقلابی زنان در مصر.
۳۷. دادا اندیش، پروین، فصلنامه راهبرد، (۱۳۸۵)، تأثیر جهانی شدن بر اشتغال زنان مسلمان، شماره ۴۱.
۳۸. راه زنان مصر به سوی دموکراسی درازتر از طول رود نیل، نشریه روزگار (۲۰۱۲/۱/۱۵) <http://dari.rozgar.eu/index.php/permalink/3718.html>
۳۹. زنان بازیگران نوظهور بهار عربی هستند، آتی نیوز (۹۰/۲/۴)، برگرفته از روزنامه گاردین، کد خبر: ۴۳۸۱۹
۴۰. سعداوی، نوال، روزنامه شرق (۹۰/۷/۱۶)، آیا لازمه آزادی زنان عرب آزادی از ستم طبقاتی دولت‌های عربی است. ترجمه هدی عوده تبار
۴۱. عودی، ستار، مرکز اطلاعات آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، (۱۳۸۳)، جنبش فکری دفاع از حقوق زن در جهان عرب، بهار.
۴۲. فتاحی پور، تحیه، ریحانه، (۱۳۸۳)، «بررسی جایگاه زن در کشورهای اسلامی» شماره ۹
۴۳. قدیریان، نرگس، خبرگزاری بین‌المللی زنان (وفا)، (۹۱/۴/۲۱) (مشاهدات عینی زن ایرانی از نقش زنان مصری در بیداری اسلامی)، مصاحبه با نرگس قدیریان همسر مسئول دفتر حافظ منافع ایران در مصر
۴۴. محمدی، شیوا، فصلنامه مطالعات خاورمیانه (۱۳۸۱) آینده سیاسی زنان در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، شماره ۱۰
- منابع عربی**
۴۵. الاندلسی، احمد بن محمد بن عبد ربه. (۱۴۰۹ ق). العقد المزیّد (ج ۶)، بیروت. دار احیاء التراث العربی.
۴۶. القرضاوی، یوسف (۱۹۹۱) نحو الوحده الفکریه للعاملین للاسلام، القاہرہ، مکتبه و ہبہ
۴۷. القرضاوی، یوسف (۱۹۹۹) من فقہ الدولہ فی الاسلام مکانتها، طبیعتها، موقفها من الدیقراطیہ، المرآہ و غیر المسلمین، القاہرہ، دار الشروق
۴۸. أمیرہ عبدالحمکیم، (۱۹۹۵) فی مارلین تادرس و آخرون، قاہرہ، نشر قاہرہ.
۴۹. شمس‌الدین، شیخ محمد مهدی (۱۹۹۴) مسائل حرجہ فی فقہ المرآہ - کتاب الستر و النظر، ج ۱، بیروت، الجامعیہ، النشر

٥٠. اسماعيل صبرى عبدالله (١٩٩٤) فى: المجلس القومى للطفوله و الامومه و اللحنه القوميه للمراه ، قاهره

٥١. الجنه القوميه للمنظمات غير الحكومه، (١٩٩٤)، وثيقه الجمعيات الاهليه المصريه الى المؤتمر الدولى للسكان و التثنيه، القاهره، سبتمبر

منابع لاتين

52.-Abedel Kader.Soha ،(1992) ،The Situation of women in Egypt ،the Central Agency For Public Mobilization And Statistics ،Capmas & Unicef Egypt

53.-Julia I.Suryakusuma.(1993)Of men and mice of women and demons:Engendering demoncra in asia. Paper presented at a transition to democracy in asia phuket.may 28.june

54.-Marllyn booth(2001) “men and the womens press in turn of the 20 century Egypt” middle east study , no 33.